

آمریکای لاتین

صحنه رقابت جهانی برای

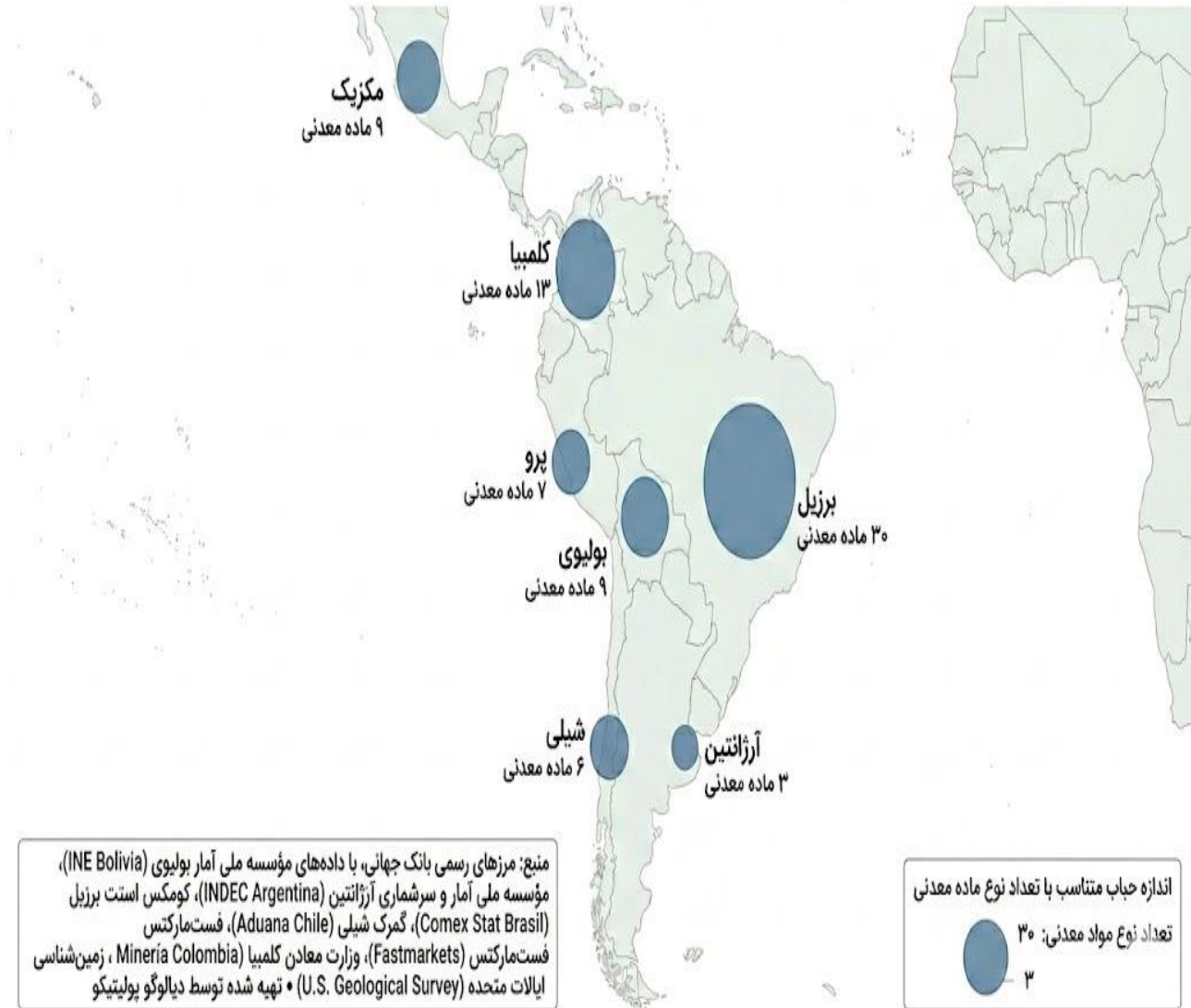
مواد معدنی راهبردی



- مقدمه
- آمریکای لاتین؛ مرکز ذخایر معدنی حیاتی جهان
- رویکردهای متفاوت کشورهای منطقه
- وضعیت معدن کاری در اکوادور
- سلطه چین بر زنجیره تأمین
- رقابت ژئوپلیتیکی بر سر منابع معدنی
- راهبرد ایالات متحده
- راهبرد اتحادیه اروپا
- راهبرد چین
- شکاف بهره‌برداری معدنی
- پیامدهای راهبردی برای اکوادور
- جمع‌بندی نهایی
- منابع

مواد معدنی راهبردی امروز در قلب گذار انرژی و انقلاب دیجیتال جهان قرار گرفته‌اند. توسعه خودروهای برقی، انرژی‌های تجدیدپذیر، هوش مصنوعی، صنایع نیمه‌هادی، مراکز داده و فناوری‌های پیشرفته نظامی، وابستگی اقتصاد جهانی به موادی مانند لیتیوم، مس، نیکل، گرافیت و عناصر نادر خاکی را به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش داده است. این مواد برای تولید باتری‌های پیشرفته، سامانه‌های خورشیدی، توربین‌های بادی، شبکه‌های انتقال برق و صنایع دفاعی حیاتی هستند. با این حال، بخش بزرگی از ذخایر و ظرفیت فرآوری آن‌ها تنها در چند کشور محدود متمرکز شده؛ مسئله‌ای که وابستگی‌های عمیق اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایجاد کرده است. در چین شرایطی، آمریکای لاتین به تدریج به یکی از مناطق کلیدی جهان در بازآرایی زنجیره‌های جهانی تأمین تبدیل شده است. برزیل یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر عناصر نادر خاکی جهان به‌شمار می‌رود و آرژانتین، شیلی و بولیوی بیش از نیمی از ذخایر شناخته‌شده لیتیوم جهان را در اختیار دارند. مجموع کشورهای منطقه نیز حدود ۴۰ درصد تولید جهانی مس را تأمین می‌کنند. هم‌زمان، ایالات متحده و اتحادیه اروپا تلاش می‌کنند وابستگی خود به چین را در حوزه مواد معدنی راهبردی کاهش دهند؛ در حالی که چین طی دو دهه گذشته حضور اقتصادی، معدنی و زیرساختی گسترده‌ای در آمریکای لاتین ایجاد کرده و بخش مهمی از زنجیره جهانی استخراج و فرآوری این مواد را تحت نفوذ خود قرار داده است. در نتیجه، آمریکای لاتین امروز به یکی از مهم‌ترین صحنه‌های رقابت ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است؛ رقابتی که محور اصلی آن کنترل زنجیره تأمین مواد معدنی حیاتی و فناوری‌های آینده است.

پراکندگی انواع مواد معدنی در آمریکای لاتین



آمریکای لاتین؛ مرکز ذخایر معدنی راهبردی جهان

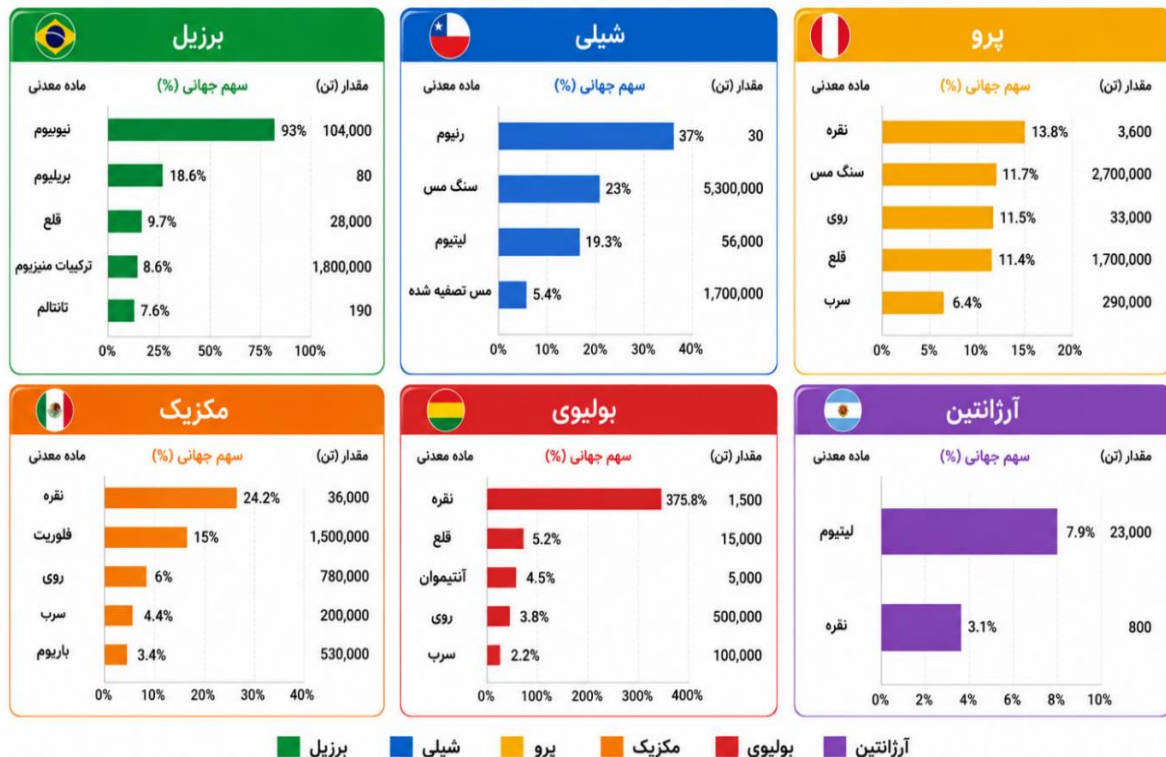
آمریکای لاتین دارای برخی از بزرگ‌ترین ذخایر مواد معدنی راهبردی جهان است؛ ذخایری که برای امنیت صنعتی، گذار انرژی و رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ اهمیت اساسی دارند. تمرکز ذخایر لیتیوم، مس، عناصر نادر خاکی، نیکل، گرافیت و نقره در این منطقه، آمریکای لاتین را به یکی از مهم‌ترین حلقه‌های زنجیره تأمین جهانی مواد معدنی حیاتی تبدیل کرده است. در مرکز این معادله، «مثلث لیتیوم» قرار دارد؛ منطقه‌ای متشکل از آرژانتین، شیلی و بولیوی که بیش از ۵۰ درصد ذخایر شناخته‌شده لیتیوم جهان را در اختیار دارد. لیتیوم ماده‌ای حیاتی برای تولید باتری خودروهای برقی و سامانه‌های ذخیره‌سازی انرژی است. شیلی و آرژانتین در حال حاضر از بزرگ‌ترین

تولیدکنندگان لیتیوم جهان محسوب می‌شوند و پروژه‌های استخراج و صادرات آن‌ها با سرعت در حال گسترش است. در مقابل، بولیوی با حدود ۲۸ میلیون تن ذخیره تخمینی، بزرگ‌ترین ظرفیت بالقوه جهان را دارد، اما مشکلات فنی، اختلافات سیاسی و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری مانع بهره‌برداری گسترده از این منابع شده است. مس نیز جایگاهی تعیین‌کننده در اقتصاد انرژی آینده دارد. بدون مس، توسعه شبکه‌های برق، خودروهای برقی و زیرساخت‌های انرژی پاک تقریباً غیرممکن است. شیلی و پرو در مجموع حدود ۳۵ درصد تولید جهانی مس را تأمین می‌کنند و بیش از یک‌چهارم ذخایر شناخته‌شده جهان را در اختیار دارند.

برزیل نیز به یکی از بازیگران کلیدی حوزه مواد معدنی راهبردی تبدیل شده است. این کشور نزدیک به ۳۰ ماده خام راهبردی تولید می‌کند و حدود ۹۳ درصد تولید جهانی نیوبیوم را کنترل می‌کند؛ فلزی که برای تولید فولادهای مقاوم، صنایع هوافضا و فناوری‌های پیشرفته اهمیت اساسی دارد. افزون بر این، برزیل دارای ذخایر عظیم عناصر نادر خاکی، نیکل و گرافیت است. حدود ۱۱ درصد ذخایر جهانی نیکل و ۲۴ درصد ذخایر گرافیت جهان در این کشور قرار دارد؛ موادی که در صنایع باتری، فناوری دیجیتال و تجهیزات پیشرفته نظامی نقش کلیدی دارند.

در کنار این کشورها، مکزیک و پرو نیز از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نقره جهان به شمار می‌روند. بیش از ۵۰ درصد تولید جهانی نقره در آمریکای لاتین انجام می‌شود؛ فلزی که در صنایع الکترونیک، پنل‌های خورشیدی و تجهیزات مخابراتی اهمیت بالایی دارد.

مواد معدنی، مقدار (تن) و سهم جهانی به تفکیک کشورها



جدول زیر تصویری کلی از مهم‌ترین ظرفیت‌های معدنی و اهمیت ژئوپلیتیکی کشورهای کلیدی آمریکای لاتین ارائه می‌دهد:

کشور	ماده معدنی کلیدی	اهمیت ژئوپلیتیکی
شیلی 	لیتیوم و مس 	انرژی پاک و خودروهای برقی، توسعه شبکه‌های برق 
آرژانتین 	لیتیوم 	امنیت زنجیره تأمین باتری و جذب سرمایه‌های غربی 
بولیوی 	لیتیوم 	بزرگ‌ترین ذخایر بالقوه لیتیوم جهان و رقابت ژئوپلیتیکی 
برزیل 	عناصر نادر خاکی، نیوبوم، گرافیت 	صنایع پیشرفته، فناوری‌های نوین و صنایع دفاعی 
پرو 	مس و نقره 	زیرساخت‌های انرژی، الکترونیک و صادرات معدنی 
مکزیک 	لیتیوم و نقره 	امنیت معدنی آمریکای شمالی و همکاری راهبردی با آمریکا 
اکوادور 	مس، طلا و عناصر نادر بالقوه 	بازیگر نوظهور در زنجیره مواد معدنی راهبردی با ظرفیت رشد بالا 

با وجود این ظرفیت عظیم، ساختار بازار جهانی همچنان تحت سلطه چین باقی مانده است. پکن طی دو دهه گذشته سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در معادن، زیرساخت‌ها و زنجیره‌های لجستیکی منطقه انجام داده و همین مسئله رقابت را برای آمریکا و اروپا دشوار کرده است. در نتیجه، رقابت بر سر منابع معدنی آمریکای لاتین اکنون به بخشی از رقابت گسترده‌تر قدرت‌های بزرگ بر سر کنترل زنجیره‌های صنعتی و فناوری آینده تبدیل شده است.

رویکردهای متفاوت کشورهای منطقه در مدیریت منابع معدنی

کشورهای آمریکای لاتین در قبال توسعه صنایع معدنی و نحوه تعامل با قدرت‌های جهانی، راهبردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. برخی کشورها بر جذب سرمایه خارجی و ادغام در زنجیره جهانی تأمین تمرکز کرده‌اند، برخی دیگر نقش دولت را در کنترل منابع تقویت کرده‌اند و گروهی نیز همچنان با محدودیت‌های ساختاری و فناوری مواجه‌اند.

آرژانتین، با ارائه مشوق‌های مالیاتی، ثبات نسبی ارزی و برنامه‌های گسترده جذب سرمایه، به یکی از جذاب‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری معدنی غرب تبدیل شده است. توسعه پروژه‌های لیتیوم این کشور به‌ویژه مورد توجه آمریکا و شرکت‌های غربی قرار گرفته است.

شیلی، مدل مشارکت دولتی-خصوصی را حفظ کرده و شرکت دولتی «کودلکو» (Codelco) همچنان نقش محوری در سیاست‌گذاری و مدیریت پروژه‌های لیتیوم و مس ایفا می‌کند. این کشور تلاش دارد میان جذب سرمایه خارجی و حفظ کنترل راهبردی دولت بر منابع معدنی توازن ایجاد کند.

بولیوی با وجود برخورداری از بزرگ‌ترین ذخایر بالقوه لیتیوم جهان، همچنان با مشکلات ساختاری، محدودیت‌های فناوری، تنش‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی روبه‌روست و نتوانسته ظرفیت عظیم معدنی خود را به تولید گسترده و صادرات پایدار تبدیل کند.

مکزیک نیز رویکردی ترکیبی اتخاذ کرده است. دولت این کشور با ایجاد شرکت دولتی «LitiOMx» صنعت لیتیوم را ملی‌سازی کرد، اما هم‌زمان همکاری خود با راهبرد امنیت معدنی ایالات متحده را گسترش داده است. در فوریه ۲۰۲۶، آمریکا و مکزیک «برنامه اقدام دوجانبه مواد معدنی راهبردی» را امضا کردند؛ توافقی که بر هماهنگی مقررات، ایجاد ذخایر راهبردی، تبادل اطلاعات زمین‌شناسی و کاهش وابستگی به واردات مواد معدنی از اقتصادهای «غیرهمسو» متمرکز دارد.

برزیل نیز به یکی از بازیگران کلیدی معادله معدنی جهان تبدیل شده است. این کشور علاوه بر برخورداری از ذخایر عظیم عناصر نادر خاکی، در میان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نیکل، منگنز، نیوبیوم، آهن و بوکسیت جهان قرار دارد و حدود ۹۳ درصد تولید جهانی نیوبیوم را کنترل می‌کند. همچنین ذخایر گسترده لیتیوم و گرافیت بر اهمیت ژئوپلیتیکی برزیل افزوده است. با این حال، مؤسسه PWC هشدار داده که برزیل همچنان در حوزه پالایش و فرآوری صنعتی با محدودیت فناوری و زیرساخت مواجه است و بخش عمده فعالیت معدنی این کشور هنوز بر استخراج و صادرات مواد خام متمرکز باقی مانده است.



وضعیت معدن کاری در اکوادور

اکوادور در سال‌های اخیر به تدریج در حال ورود به معادلات ژئوپلیتیکی مواد معدنی راهبردی در آمریکای لاتین است. اگرچه این کشور هنوز در مقایسه با بازیگران بزرگی مانند شیلی، پرو و برزیل در مراحل ابتدایی توسعه معدنی قرار دارد، اما رشد سریع بخش معدن و افزایش حضور شرکت‌های خارجی موجب شده اکوادور به یکی از بازیگران نوظهور معدن کاری منطقه تبدیل شود. بخش معدن کاری اکوادور طی سال‌های اخیر به یکی از سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد اقتصاد این کشور تبدیل شده و اکنون پس از میگو و نفت، سومین منبع درآمد ارزی اکوادور به شمار می‌رود. صادرات معدنی اکوادور در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶ به حدود ۱,۳۸ میلیارد دلار رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶۵ درصد رشد نشان می‌دهد.

پروژه‌های بزرگ معدنی طلا و مس مانند «میرادور» و «فروتا دل نورته» در استان زامورا چینچیپه، به همراه طرح‌های عظیمی همچون معادن طلا و مس کاباسکال، وارینتزا و کانگرخوس، اکوادور را به یکی از کانون‌های جدید سرمایه‌گذاری معدنی در آمریکای لاتین تبدیل کرده‌اند. در حال حاضر سرمایه‌گذاری‌های معدنی عمدتاً از سوی شرکت‌های چینی و کانادایی انجام می‌شود و دولت نیز تلاش دارد با بازگشایی کاداستر معدنی و جذب سرمایه خارجی، توسعه این بخش را تسریع کند. با این حال، چالش‌هایی مانند تنش‌های اجتماعی، نگرانی‌های محیط‌زیستی، اختلافات حقوقی و ضعف زیرساخت‌های صنعتی همچنان بر روند توسعه معدن کاری کشور سایه انداخته‌اند. اگرچه اکوادور هنوز در مرحله اولیه اکتشاف مواد معدنی بحرانی قرار دارد، اما امضای توافق همکاری با آمریکا در سال ۲۰۲۶ و افزایش حضور شرکت‌های خارجی نشان می‌دهد این کشور نیز به تدریج وارد رقابت ژئوپلیتیکی مرتبط با زنجیره تأمین مواد معدنی راهبردی شده است. مطالعات زمین‌شناسی اخیر نشانه‌هایی امیدوارکننده از وجود عناصر راهبردی مانند نئودیمیوم، ایتیریم، لانتانوم و اسکاندیوم در مناطق آمازون و جنوب کشور شناسایی کرده‌اند. گزارش‌های مؤسسه تحقیقات زمین‌شناسی و انرژی اکوادور و پژوهش‌های علمی بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که شرایط زمین‌شناسی برخی مناطق کشور برای وجود عناصر نادر خاکی مناسب است، هرچند هنوز ذخایر قطعی و دارای صرفه اقتصادی به‌طور رسمی تأیید نشده‌اند.

سلطه چین بر زنجیره تأمین مواد معدنی راهبردی

رقابت جهانی بر سر مواد معدنی راهبردی، صرفاً به کنترل معادن و استخراج محدود نمی‌شود؛ بلکه بخش تعیین‌کننده این رقابت به توان فرآوری، پالایش و تسلط بر زنجیره‌های صنعتی پایین‌دستی مربوط است؛ حوزه‌ای که چین طی دو دهه گذشته برتری قابل‌توجهی در آن ایجاد کرده است. در عمل، بسیاری از کشورها اگرچه دارای ذخایر معدنی هستند، اما برای تبدیل این مواد به محصولات صنعتی قابل استفاده همچنان به ظرفیت پالایش و فرآوری چین وابسته‌اند.

طبق داده‌های سازمان زمین‌شناسی آمریکا در سال ۲۰۲۵، چین بزرگ‌ترین تولیدکننده ۳۰ مورد از ۴۴ ماده معدنی راهبردی جهان بوده است. این کشور: ۶۹ درصد عناصر نادر خاکی جهان، ۹۵ درصد منیزیم، ۷۹ درصد گرافیت و

بخش بزرگی از تلوریم، بیسموت و آنتیموان جهان را تولید می‌کند. برتری چین تنها به استخراج محدود نمی‌شود. در حوزه پالایش و فرآوری نیز این کشور ۸۵ درصد عناصر نادر خاکی، ۷۰ درصد کبالت، ۵۸ درصد لیتیوم و ۴۲ درصد مس جهان را فرآوری می‌کند. این برتری ناشی از مجموعه‌ای از عوامل ساختاری از جمله هزینه پایین انرژی، یارانه‌های گسترده دولتی، یکپارچگی زنجیره صنعتی، ظرفیت عظیم تولیدی و مقررات محیط‌زیستی آسان‌تر است. در مقابل، ایجاد کارخانه‌های مدرن ذوب و پالایش در آمریکا و اروپا به سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری و زمان طولانی نیاز دارد. به همین دلیل، وابستگی غرب به چین در حوزه فرآوری مواد معدنی راهبردی همچنان یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های امنیت صنعتی و فناوری برای ایالات متحده و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود.



رقابت ژئوپلیتیکی بر سر منابع معدنی

با وجود اهمیت روزافزون آمریکای لاتین در زنجیره جهانی مواد معدنی راهبردی، ایالات متحده و اتحادیه اروپا همچنان با چالش‌های مهمی برای رقابت با نفوذ تثبیت‌شده چین در منطقه روبه‌رو هستند. پکن طی دو دهه گذشته با سرمایه‌گذاری گسترده در بخش معدن، زیرساخت و لجستیک، جایگاه اقتصادی و

راهبردی قابل توجهی در آمریکای لاتین ایجاد کرده است. تنها در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، میزان سرمایه‌گذاری چین در منطقه به‌طور متوسط سالانه حدود ۱۴,۲ میلیارد دلار برآورد شده است. در مقابل، آمریکا و اروپا همچنان در تلاش برای کاهش این عقب‌ماندگی و بازآرایی زنجیره‌های تأمین خود هستند. با این حال، اختلافات سیاسی، رویکردهای متفاوت دولت‌های منطقه و رقابت منافع اقتصادی، تدوین یک راهبرد منسجم غربی را دشوار کرده است. برای نمونه، آرژانتین هم‌زمان روابط معدنی خود را با آمریکا و اتحادیه اروپا گسترش داده، در حالی که برزیل در چارچوب بریکس همکاری‌های اقتصادی خود با چین را حفظ کرده است. بی‌ثباتی سیاسی در برخی کشورهای منطقه مانند بولیوی و ونزوئلا نیز بر پیچیدگی این رقابت افزوده است. در چنین شرایطی، رقابت بر سر مواد معدنی راهبردی در آمریکای لاتین تنها به مسئله استخراج منابع محدود نمی‌شود، بلکه به حوزه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری صنعتی، انتقال فناوری، توسعه زیرساخت و نفوذ ژئوپلیتیکی نیز گسترش یافته است.

راهبرد ایالات متحده

در ژانویه ۲۰۲۵، دولت دونالد ترامپ وضعیت «فوریت ملی انرژی» اعلام کرد و هشدار داد که ایالات متحده ظرفیت کافی برای تأمین داخلی مواد معدنی راهبردی مورد نیاز خود را ندارد. این نگرانی از آن‌جا ناشی می‌شود که چین نه تنها بخش بزرگی از استخراج جهانی مواد معدنی حیاتی را در اختیار دارد، بلکه در بسیاری از حوزه‌ها بر فرآوری، پالایش و زنجیره‌های پایین‌دستی این مواد نیز سلطه یافته است. در برخی مواد مانند گرافیت و عناصر نادر خاکی، وابستگی آمریکا به واردات از چین از ۷۰ درصد فراتر می‌رود؛ مسئله‌ای که از نگاه واشنگتن به تهدیدی راهبردی برای امنیت صنعتی، فناوری و حتی نظامی آمریکا تبدیل شده است. در چنین شرایطی، آمریکای لاتین به یکی از مهم‌ترین گزینه‌های ژئوپلیتیکی آمریکا برای کاهش وابستگی به چین بدل شده است. ایالات متحده اکنون بخش عمده‌ای از واردات مس خود را از کشورهای آمریکای لاتین تأمین می‌کند و تقریباً تمام لیتیوم مورد نیازش از شیلی و آرژانتین وارد می‌شود. در پاسخ به این وضعیت، واشنگتن طی سال‌های اخیر راهبرد «فرندشورینگ» یا «دوست‌سپاری زنجیره تأمین» را با سرعت بیشتری دنبال کرده است؛ راهبردی که بر انتقال زنجیره‌های تأمین، سرمایه‌گذاری صنعتی و همکاری با کشورهای متحد و همسو برای ایجاد شبکه‌ای «امن و قابل اعتماد» در حوزه مواد معدنی راهبردی تمرکز دارد. بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۴، آمریکا برای تأمین ۱۲ ماده معدنی راهبردی به‌طور کامل وابسته به واردات بوده و برای ۲۸ ماده دیگر نیز بیش از نیمی از نیاز خود را از خارج تأمین کرده است. به همین دلیل، واشنگتن مجموعه‌ای از ابزارهای مالی، دیپلماتیک و صنعتی را برای تقویت امنیت زنجیره تأمین خود به کار گرفته است. در همین چارچوب، آمریکا طی سال‌های اخیر مجموعه‌ای از توافق‌ها و ابتکارهای راهبردی را در آمریکای لاتین دنبال کرده است؛ از جمله:

- توافق اولویت تأمین لیتیوم و مس با آرژانتین؛
- امضای ۱۱ یادداشت تفاهم معدنی با کشورهای منطقه از جمله آرژانتین، اکوادور، پرو و پاراگوئه در چارچوب اجلاس مواد معدنی بحرانی ۲۰۲۶؛
- ایجاد پروژه «Vault» توسط بانک صادرات و واردات آمریکا با بودجه‌ای تا سقف ۱۰ میلیارد دلار؛
- تمدید مجوز فعالیت «شرکت مالی توسعه بین‌المللی آمریکا» (DFC) و گسترش امکان سرمایه‌گذاری این نهاد در پروژه‌های معدنی آمریکای لاتین؛
- تشکیل «مجمع FORGE» برای هماهنگی مالی، فناورانه و نظارتی در حوزه مواد معدنی حیاتی؛
- امضای توافق مشترک آمریکا و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۶ برای کاهش وابستگی به چین در حوزه مواد خام راهبردی؛
- حمایت مستقیم سیاسی و مالی واشنگتن از شرکت‌های آمریکایی فعال در استخراج و فرآوری مواد معدنی در آمریکای لاتین.

در کنار این اقدامات، تحولات سیاسی برخی کشورهای منطقه نیز تا حدی به سود راهبرد واشنگتن بوده است. رهبرانی مانند خاویر میلی در آرژانتین، رودریگو پاز پیرا در بولیوی و خوزه آنتونیو کاست در شیلی مواضع نزدیک‌تری به سیاست‌های آمریکا اتخاذ کرده‌اند و فضای مساعدتری برای حضور شرکت‌های غربی فراهم کرده‌اند.

راهبرد اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا نیز همانند ایالات متحده با نگرانی فزاینده‌ای به وابستگی خود به چین در حوزه مواد خام راهبردی می‌نگرد. بروکسل با تصویب «قانون مواد خام راهبردی» (Critical Raw Materials Act) تلاش کرده است تا سال ۲۰۳۰ وابستگی خود به هر کشور خارجی را حداکثر به ۶۵ درصد کاهش دهد. اروپا به‌ویژه در حوزه منیزیم و عناصر نادر خاکی وابستگی بالایی به چین دارد و در برخی موارد تقریباً به‌طور کامل به واردات از این کشور متکی است. در نتیجه، آمریکای لاتین به یکی از مهم‌ترین گزینه‌های اتحادیه اروپا برای تنوع‌بخشی به زنجیره تأمین مواد معدنی حیاتی تبدیل شده است. برخلاف رویکرد امنیت‌محور و رقابتی واشنگتن، اتحادیه اروپا عمدتاً بر همکاری‌های صنعتی، انتقال فناوری، توافق‌های تجاری و چارچوب‌های حقوقی مشترک تمرکز کرده است. در همین چارچوب، بروکسل تلاش دارد حضور اقتصادی و صنعتی خود را در بخش معدن آمریکای لاتین گسترش دهد. گفت‌وگوهای اخیر میان آلمان و برزیل نیز بازتابی از همین رویکرد بود. در نشست مشترک دو کشور در شهر هانوفر، فربدریش مرتس بر ظرفیت

عظیم برزیل در حوزه عناصر نادر خاکی تأکید کرد و لوئیز ایناسیو لولا دا سیلوا، آمریکای لاتین را شریک راهبردی غرب در حوزه مواد معدنی معرفی کرد. با این حال، کشورهای منطقه، بویژه برزیل، صرفاً به صادرات مواد خام رضایت ندارند و خواهان انتقال فناوری، سرمایه‌گذاری صنعتی، توسعه صنایع فرآوری و ایجاد ارزش افزوده در داخل منطقه هستند. در همین چارچوب، توافق اتحادیه اروپا و مرکوسور که از مه ۲۰۲۶ اجرایی شد، فرصت‌های تازه‌ای برای سرمایه‌گذاری در صنایع فرآوری مواد خام، توسعه زنجیره‌های تأمین و اجرای استانداردهای زیست‌محیطی و اجتماعی ایجاد کرده است. اتحادیه اروپا همچنین همکاری خود با شیلی را در حوزه تأمین پایدار لیتیوم و مس گسترش داده و در تلاش است حضور اقتصادی و صنعتی خود را در پروژه‌های معدنی منطقه افزایش دهد. در مجموع، اروپا آمریکای لاتین را نه فقط به‌عنوان تأمین‌کننده مواد خام، بلکه به‌عنوان شریک بلندمدت در بازآرایی زنجیره‌های جهانی تأمین می‌بیند؛ زنجیره‌هایی که قرار است وابستگی غرب به چین را کاهش داده و امنیت دسترسی به مواد معدنی حیاتی برای صنایع آینده را تضمین کنند.

راهبرد چین؛ گسترش نفوذ اقتصادی و معدنی در آمریکای لاتین

در حالی که ایالات متحده و اتحادیه اروپا طی سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند حضور خود را در آمریکای لاتین تقویت کنند، چین همچنان بازیگری با نفوذ ساختاری عمیق‌تر در بخش معدن، زیرساخت و زنجیره‌های لجستیکی منطقه باقی مانده است. پکن طی دو دهه گذشته سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در بخش‌های معدن، انرژی، زیرساخت و حمل‌ونقل آمریکای لاتین انجام داده و به تدریج شبکه‌ای از منافع اقتصادی، لجستیکی و ژئوپلیتیکی در منطقه ایجاد کرده است. بر اساس داده‌های «شبکه دانشگاهی آمریکای لاتین و کارائیب درباره چین»، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در آمریکای لاتین در سال ۲۰۲۵ به بیش از ۸٫۶ میلیارد دلار رسید و بیش از ۳۶ هزار شغل در منطقه ایجاد کرد. هرچند این رقم نسبت به سال ۲۰۲۴ حدود ۱۲ درصد کاهش داشت و تنها ۴٫۲۴ درصد کل سرمایه‌گذاری خارجی منطقه را تشکیل می‌داد، اما چین همچنان جایگاه خود را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران اقتصادی آمریکای جنوبی حفظ کرده است. پکن به‌ویژه در حوزه مواد معدنی راهبردی و زیرساخت‌های مرتبط با آن حضور پررنگی دارد. بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴، چین سرمایه‌گذاری خود را در مواد معدنی مورد نیاز گذار جهانی انرژی؛ از جمله لیتیوم، کبالت، مس، گرافیت، نیکل و عناصر نادر خاکی؛ دو برابر کرد. این راهبرد تنها به استخراج محدود نبوده و حوزه‌هایی مانند تأمین مالی پروژه‌ها، کنترل امتیازهای معدنی، توسعه بنادر، کریدورهای حمل‌ونقل و زنجیره‌های لجستیکی را نیز دربر گرفته است. در همین چارچوب، چین نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک خود را از مسیرهای مختلف گسترش داده است. پیوستن کلمبیا به طرح «کمربند و جاده» (BRI) در سال ۲۰۲۵ تعداد کشورهای آمریکای لاتین عضو این ابتکار را به ۲۱ کشور رساند.

همچنین چین اکنون پس از ایالات متحده، دومین شریک تجاری بزرگ آمریکای لاتین و مهم‌ترین شریک تجاری آمریکای جنوبی محسوب می‌شود. پروژه‌هایی مانند کریدور بندر چانکای پرو به برزیل نیز با هدف تسهیل صادرات مواد خام و معدنی به بازارهای آسیایی توسعه یافته‌اند. هم‌زمان، شرکت‌های چینی کنترل یا سهام قابل توجهی در دارایی‌های معدنی راهبردی کشورهای مختلف منطقه — از جمله پرو، برزیل، جامائیکا و نیکاراگوئه — به دست آورده‌اند. بر اساس برخی برآوردها، حدود ۹۸ درصد سرمایه‌گذاری معدنی چین در آمریکای لاتین بر فلزات و مواد معدنی حیاتی متمرکز است.

نفوذ پکن تنها به حوزه معدن محدود نمی‌شود. چین از طریق سازوکارهایی مانند «سلک» (CELAC) و برنامه اقدام مشترک چین و سلک برای سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۷، روابط سیاسی و نهادی خود را با کشورهای منطقه نیز تقویت کرده است. افزون بر این، پکن با کشورهایمانند شیلی، پرو، اکوادور، کاستاریکا و نیکاراگوئه توافق‌نامه تجارت آزاد امضا کرده و در حال گسترش جایگاه تجاری خود در سراسر آمریکای لاتین است. در سال ۲۰۲۳، چین مقصد حدود یک‌سوم صادرات معدنی آمریکای لاتین بود و به بزرگ‌ترین خریدار مواد خام منطقه تبدیل شد. همچنین از سال ۲۰۱۸ تاکنون، شرکت‌ها و نهادهای چینی حدود ۱۱ میلیارد دلار در استخراج لیتیوم آمریکای لاتین سرمایه‌گذاری کرده‌اند. تا سال ۲۰۲۳ نیز شرکت‌های چینی مالک نیمی از بزرگ‌ترین معادن لیتیوم جهان شده بودند؛ مسئله‌ای که نشان‌دهنده جایگاه محوری پکن در زنجیره جهانی مواد معدنی راهبردی است.

شکاف بهره‌برداری معدنی در کشورهای آمریکای لاتین

با وجود برخورداری از ذخایر عظیم مواد معدنی راهبردی، آمریکای لاتین هنوز فاقد زیرساخت صنعتی و ظرفیت فناورانه لازم برای تبدیل شدن به یک قطب مستقل فرآوری و تولید محصولات با ارزش افزوده بالا است. بسیاری از کشورهای منطقه همچنان عمدتاً صادرکننده مواد خام باقی مانده‌اند و ظرفیت کافی برای پالایش، تولید باتری، صنایع شیمیایی پیشرفته یا فناوری‌های پایین‌دستی مرتبط با زنجیره مواد معدنی حیاتی را در اختیار ندارند. گزارش‌های بین‌المللی نیز هشدار می‌دهند که چارچوب‌های حقوقی، زیرساختی و نظارتی بسیاری از کشورهای منطقه هنوز برای توسعه صنایع معدنی پیشرفته و جذب سرمایه‌گذاری بلندمدت کافی نیست.

در مکزیک، استخراج لیتیوم توسط بخش خصوصی ممنوع شده، اما شرکت دولتی «LitiOMx» تاکنون نتوانسته ظرفیت تولید صنعتی مؤثری ایجاد کند. در بولیوی نیز انحصار دولتی استخراج لیتیوم، محدودیت‌های فناوری و مشکلات فنی، روند توسعه این صنعت را با کندی مواجه کرده است. در بسیاری از کشورهای منطقه نیز ضعف زیرساخت‌های انرژی، حمل‌ونقل و فرآوری، مانع شکل‌گیری زنجیره‌های

صنعتی کامل در حوزه مواد معدنی شده است. هم‌زمان، سرعت تحولات فناوری جهانی نیز به یکی از چالش‌های جدید منطقه تبدیل شده است. فناوری‌هایی مانند «استخراج مستقیم لیتیوم» (DLE) هنوز به‌طور گسترده در آمریکای لاتین اجرایی نشده‌اند و این احتمال وجود دارد که بخشی از پروژه‌های فعلی پیش از رسیدن به مرحله بهره‌برداری کامل، با تغییر فناوری باتری‌ها یا تحول در الگوهای تقاضای جهانی مواجه شوند. در نتیجه، اگرچه آمریکای لاتین از نظر منابع طبیعی در موقعیتی ممتاز قرار دارد، اما نبود ظرفیت صنعتی، فناوری فرآوری و سیاست‌گذاری بلندمدت می‌تواند مانع تبدیل این مزیت معدنی به قدرت اقتصادی و ژئوپلیتیکی پایدار شود.

پیامدهای راهبردی برای اکوادور

اکوادور اگرچه هنوز در مراحل ابتدایی توسعه زنجیره مواد معدنی راهبردی قرار دارد، اما روندهای جهانی نشان می‌دهد این کشور نیز به تدریج وارد رقابت ژئوپلیتیکی مرتبط با مواد معدنی حیاتی شده است. رشد سریع بخش معدن، افزایش حضور شرکت‌های خارجی و نشانه‌های اولیه از وجود عناصر نادر خاکی، می‌تواند در سال‌های آینده جایگاه اکوادور را در این معادله تقویت کند. در چنین شرایطی، رقابت میان چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا می‌تواند فرصت‌هایی برای جذب سرمایه، فناوری و توسعه زیرساخت‌های معدنی اکوادور فراهم سازد. با این حال، تجربه بسیاری از کشورهای منطقه نشان می‌دهد که اتکای صرف به استخراج و صادرات مواد خام، بدون توسعه ظرفیت صنعتی و فناوری داخلی، می‌تواند به تداوم وابستگی اقتصادی منجر شود. از این رو، یکی از چالش‌های اصلی اکوادور در سال‌های آینده، ایجاد توازن میان جذب سرمایه‌گذاری خارجی، حفاظت از محیط‌زیست، مدیریت تنش‌های اجتماعی و توسعه پایدار بخش معدن خواهد بود.

ارزیابی

آمریکای لاتین امروز دیگر صرفاً یک تأمین‌کننده سنتی مواد خام نیست، بلکه به یکی از محورهای اصلی رقابت ژئوپلیتیکی قرن بیست‌ویکم تبدیل شده است. رقابت ایالات متحده، چین و اتحادیه اروپا بر سر مواد معدنی راهبردی نشان می‌دهد که آینده اقتصاد جهانی، گذار انرژی، صنایع دیجیتال و امنیت فناوری تا حد زیادی به ظرفیت معدنی این منطقه گره خورده است. رقابت کنونی بر سر مواد معدنی حیاتی، در واقع بخشی از بازآرایی نظم اقتصادی و صنعتی جهان پس از عصر نفت محسوب می‌شود. همان‌گونه که نفت در قرن بیستم یکی از پایه‌های اصلی قدرت ژئوپلیتیکی کشورها بود، مواد معدنی راهبردی نیز در قرن بیست‌ویکم به زیرساخت اصلی قدرت فناورانه، صنعتی و حتی نظامی تبدیل شده‌اند. با این حال، یک تناقض تاریخی همچنان پابرجاست: در حالی که جهان بیش از هر زمان دیگری به منابع معدنی آمریکای لاتین نیاز دارد، بخش بزرگی از منطقه همچنان در معرض گرفتار شدن در الگوی سنتی اقتصاد

استخراج محور و وابستگی به صادرات مواد خام قرار دارد. به همین دلیل، چالش اصلی آینده صرفاً افزایش استخراج نخواهد بود، بلکه توسعه ظرفیت صنعتی، انتقال فناوری، ایجاد زنجیره‌های ارزش افزوده، گسترش صنایع فرآوری و جلوگیری از شکل‌گیری وابستگی‌های جدید در قالبی تازه خواهد بود. در شرایطی که چین بر بخش بزرگی از فرآوری جهانی مواد معدنی تسلط یافته و ایالات متحده نیز راهبرد «فرندشورینگ» را با سرعت دنبال می‌کند، آمریکای لاتین اکنون در برابر یک انتخاب تاریخی قرار دارد: یا همچنان در جایگاه تأمین‌کننده مواد خام برای رقابت قدرت‌های جهانی باقی بماند، یا از این فرصت برای تبدیل شدن به یک بازیگر صنعتی، فناورانه و ژئوپلیتیکی مستقل‌تر در نظام جهانی استفاده کند. از این رو، نحوه مدیریت این فرصت تاریخی می‌تواند نه تنها جایگاه آینده آمریکای لاتین، بلکه بخشی از موازنه قدرت در اقتصاد و ژئوپلیتیک جهانی قرن بیست‌ویکم را نیز تعیین کند. در سال‌های آینده، رقابت بر سر کنترل زنجیره تأمین مواد معدنی حیاتی احتمالاً به یکی از مهم‌ترین محورهای رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی تبدیل خواهد شد و آمریکای لاتین در مرکز این تحول قرار خواهد داشت.

منابع:

- «اهمیت راهبردی منابع معدنی آمریکای لاتین برای آمریکا و غرب»، یانیک فریک (Yannic Fricke)، سایت دیالوگ سیاسی، ۱۱ مه ۲۰۲۶؛

<https://dialogopolitico.org/agenda/analisis/minerales-criticos-america-latina-socio-clave-occidente>

- «آمریکای لاتین در جنگ خاموش آمریکا و چین بر سر مواد معدنی راهبردی»، ویولتا، کنتره‌راس گارسیا (Violeta Contreras García)، DPL،

News، ۱۸ مه ۲۰۲۶

<https://dplnews.com/america-latina-guerra-silenciosa-ee-uu-y-china-por-minerales-criticos>

- «اهمیت راهبردی منابع معدنی آمریکای لاتین برای آمریکا و غرب»، یانیک فریک (Yannic Fricke)، سایت دیالوگ سیاسی، ۱۱ مه ۲۰۲۶؛

- «نشانه‌های وجود مواد معدنی نادر در اکوادور»، تحریریه روزنامه لا اورا اکوادور، ۴ مارس ۲۰۲۶

https://www.lahora.com.ec/economia/ecuador-tiene-indicios-de-tierras-raras-en-la-amazonia-y-el-sur-que-revelan-los-estudios-sobre-su-potencial-minero-20260304-0004.html#google_vignette

- «عناصر معدنی نادر و پتانسیل زمین‌شناختی در اکوادور»، مجله سازمان پژوهش زمین‌شناسی و انرژی کیتو؛

<https://geolatitud.geoenergia.gob.ec/index.php/GeoLatitud/article/view/189/148>

-درآمد ۱,۳ میلیاردی معدنی کاری در سه ماهه نخست ۲۰۲۶، مجله ویستازو اکوادور، ۲۰ مه ۲۰۲۶؛

<https://www.vistazo.com/enfoque/2026-05-20-mineria-tercer-lugar-exportaciones-ecuador-GP10974200>